

شهادت از طریق ویدئوکنفرانس

ورویۀ دادگاه‌های بین‌المللی کیفری در پذیرش آن*

- هیئت‌الله نژندی‌منش^۱
- وحید بذار^۲

چکیده

فناوری‌های نوین ارتباطاتی که با پیدایش اینترنت بسیار برجسته شدند، بر اکثر حوزه‌های حقوق بین‌الملل - از جمله رسیدگی قضایی بین‌المللی - تأثیر گذارده‌اند. ادای شهادت از طریق ویدئوکنفرانس یکی از مواردی است که موضوع استفاده از فناوری در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی را مطرح می‌کند. این دادگاه‌ها که در آغاز با اعلام پیش‌شرط‌های متعدد، ادای شهادت از طریق ارتباط ویدئویی را تنها در موارد بسیار استثنایی می‌پذیرفتند، به تدریج و با رشد فزاینده فناوری، صلاحیت خود را برای پذیرش چنین امری بسیار موسع تفسیر نمودند. در واقع، همان‌طور که در روند تغییر رویکرد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی از جمله دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا، دادگاه ویژه سیرالئون و دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به پذیرش ادای

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۲۹.

۱. استادیار دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) (hnajandimanesh@gmail.com).

۲. دکتری حقوق بین‌الملل (vahidbazzar@gmail.com).

شهادت از طریق ویدئوکنفرانس قابل مشاهده است، فناوری‌های نوین ارتباطاتی توانسته‌اند به عنوان یک واقعیت عینی در جامعه بین‌المللی، خود را به حوزه رسیدگی قضایی بین‌المللی تحمیل نمایند.

واژگان کلیدی: شهادت، ویدئوکنفرانس، دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا، دادگاه ویژه سیرالئون.

مقدمه

«فناوری»^۱های نوین ارتباطی و اطلاعاتی از حدود ۳۰ سال پیش و با پیدایش «اینترنت»^۲ بسیار برجسته شدند و به سرعت گسترش یافتند. این فناوری‌ها منجر به ایجاد فضای جدیدی به نام «فضای سایبری»^۳ شده‌اند که بر خلاف سایر عرصه‌ها مثل زمین، هوا، دریا و حتی فضای ماورای جو، ماهیتی غیر قابل لمس دارد (نژندی‌منش و بذار، ۱۳۹۶: ۱۲).

تحولات فناوری، روندی را در جامعه بین‌المللی ایجاد کرده‌اند که هیچ یک از عرصه‌ها از تأثیرات آن مصون نمانده و این واقعیت غیر قابل انکار، به طرز اجتناب‌ناپذیری بر اکثر حوزه‌های حقوق بین‌الملل تأثیر گذاشته است. دادگاه‌های بین‌المللی کیفری نیز از این تحولات تأثیر پذیرفته‌اند.^۴ فناوری‌هایی که ممکن است در دادگاه‌های بین‌المللی کیفری مورد استفاده قرار بگیرند، فناوری‌های ارتباطاتی هستند.^۵ علاوه بر اینکه از فناوری‌های نوین می‌توان برای ارسال مدارک و شواهد به دادگاه‌های بین‌المللی کیفری استفاده نمود، این فناوری‌ها در موارد عدم حضور «شاهد»^۶ یا

1. Technology.

2. Internet.

3. Cyberspace.

۴. تأثیرپذیری دادگاه‌های کیفری بین‌المللی از تحولات فناوری در حالی است که در برخی از مناطق دنیا -برای مثال در ایالت «کوئینزلند» (Queensland) استرالیا- «رسیدگی الکترونیکی» (Electronic Trial) کیفری امری متداول شده است (Jackson, 2010: 220).

۵. این فناوری‌ها می‌توانند در پیشگیری و کشف جرایم فراملی و بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرند (برای مطالعه بیشتر در این باره ر.ک: دمیتس و دیونیسیوس، ۱۳۹۷: ۲۵۱-۲۹۱).

6. Witness.

«متهم»^۱ می‌توانند نقش بسیار مفیدی در ادامه روند دادرسی ایفا نمایند. البته به این سبب که عدم حضور فیزیکی متهم می‌تواند ایراد ممنوعیت رسیدگی کیفری «غیابی»^۲ را مطرح نماید، این امر به طور مطلق مورد پذیرش قرار نگرفته است و در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی چندان مبتلا به نیست.^۳

همچنین علاوه بر موضوع حضور مجازی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی که جنبه «شکلی»^۴ دارد و به استفاده ابزاری از فناوری‌های ارتباطاتی مربوط می‌شود، استفاده از این فناوری‌ها در «ماهیت»^۵ دعوی نیز قابل تصور است. کاربرد اخیر هنگامی است که هر یک از «خواهان» یا «خوانده»^۶ از «داده»^۷ یا محتوایاتی که با فناوری‌های نوین تحصیل شده است - برای مثال «عکس ماهواره‌ای»^۸ - به عنوان

1. Accused.

2. In absentia.

۳. مقررات آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی (قاعده ۱۳۴ مکرر) امکان حضور متهم به صورت ارتباط ویدئویی را صرفاً در بخش یا بخش‌هایی از رسیدگی - پس از درخواست کتبی و بررسی و اجازه شعبه رسیدگی کننده - پذیرفته است (Zakerhossein & De Brouwer, 2015: 216). در واقع، متهم حق حضور در رسیدگی دارد و همان طور که شعبه تجدیدنظر دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا در قضیه «زیجی رانی رازو» تصریح نموده است، حضور فیزیکی متهم در دادگاه از قواعد بنیادین و اساسی یک دادرسی منصفانه کیفری است (Zigiranyirazo v. Prosecutor, Case No. ICTR-2001-73-AR73, Decision on Interlocutory Appeal (Appeals Chamber, Oct. 30, 2006), para. 11). حتی در قضیه «نیرو را» که شعبه بدوی دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا به سبب بیماری متهم و با استناد به ضرورت انجام رسیدگی سریع (Expeditious Trial)، رسیدگی را بدون حضور او ادامه داد (Prosecutor v. Nzirorera, Case No. ICTR-98-44-AR73.10, Decision on Nzirorera's Interlocutory Appeal Concerning his Right to be Present at Trial (Appeals Chamber, Oct. 5, 2007), para. 15). شعبه تجدیدنظر رأی را نقض نمود (Schabas, 2008: 407-408). با این حال، برای نخستین بار شعبه بدوی دادگاه ویژه لبنان در قضیه عیاش و دیگران اجازه می‌دهد تا به اعمال یک متهم به صورت غیابی رسیدگی شود (Prosecutor v. Ayyash and Others, Trial Chamber, Case No. STL-II-OIHPITTC, 27 July 2012 and Ayyash and Others, Appeals Chamber, 24 October 2012, (STL-11-O1/PT/AC/AR90.1)).

4. Procedural.

5. Merit.

6. Defendant.

7. Data.

8. Sattelite image.

«ادله»^۱ و به منظور اثبات ادعای خود استفاده نمایند که بررسی چنین کاربردی به هیچ وجه موضوع این پژوهش نیست.

این نوشتار از دو بخش تشکیل شده است؛ بخش نخست به مزایا و معایب استفاده از ادای «شهادت»^۲ از طریق «ویدئوکنفرانس»^۳ می‌پردازد و قسمت دوم، اسناد، قواعد و رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی را در خصوص موضوع مزبور مورد مذاقه و بررسی قرار می‌دهد.

۱. شهادت از طریق ویدئوکنفرانس: مزایا و معایب

در حقوق بین‌الملل کیفری، بر اتخاذ تدابیر لازم نسبت به حمایت از امنیت جسمی و روانی شهود تأکید شده و در این راستا، اقداماتی از جمله استفاده از نام مستعار یا تغییر چهره شهود، در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است (ابراهیم‌گل، ۱۳۸۶: ۱۹۹). حتی انجام برخی اقدامات در راستای «آماده‌سازی شهود»^۴ برای ارائه یک شهادت مناسب در محضر قضات نیز در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی پذیرفته شده است.^۵ البته این تدابیر نباید ناقض حق متهم در برخورداری از یک رسیدگی منصفانه باشند. این دادگاه‌ها سعی نموده‌اند تا با رویکرد منعطف نسبت به پذیرش شهادت به عنوان یکی از ادله، در راستای تحقق عدالت گام بردارند و در این مسیر، علاوه بر شهادت کتبی، شهادت صوتی یا تصویری از قبل ضبط‌شده و شهادت از طریق ویدئوکنفرانس را نیز پذیرفته‌اند (تقی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۹). پذیرش شهادت از طریق ارتباط ویدئویی «زنده»^۶ از سوی شاهدی که فرسنگ‌ها دورتر از دادگاه حضور دارد، سبب می‌گردد تا از اتخاذ تصمیمی که با توجه به تمامی واقعیت‌های یک پرونده صادر

1. Evidence.

2. Testimony.

3. Video conference.

4. Witness proofing.

۵. برای مطالعه بیشتر در خصوص فرایند آماده‌سازی شهود در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ر.ک: رضوی فرد و فقیه محمدی، ۱۳۹۰: تیلور، ۱۳۸۹.

6. Live.

نشده است و لزوماً عادلانه نیست، پیشگیری شود. پذیرش شهادت از طریق فناوری‌های نوین، نشانه لزوم تحقق «عدالت کیفری»^۱ - به عنوان والاترین هدف حقوق بین‌الملل کیفری- است. در واقع، اگر شاهدی که دیده‌ها یا شنیده‌های آن می‌تواند مسیر رسیدگی و رأی نهایی را تغییر دهد به سبب معذوراتی از جمله «ناتوانی»^۲ یا «بی‌میلی»^۳ از حضور در محل دادگاه امتناع نماید و اظهارات او استماع نگردد، عدالت اجرا نخواهد شد. اما مهم‌ترین مزیت استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطاتی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، صرفه‌جویی در هزینه و زمان است. همچنین عدم حضور شاهدی که بسیار دورتر از محل برگزاری دادگاه حضور دارد، هزینه‌های مربوط به سفر و ترک شغل او را مرتفع می‌کند. به علاوه، این امر حتی می‌تواند منافی را برای متهم در پی داشته باشد و این فردی را که هنوز جرمش اثبات نشده است، درگیر بازداشت طولانی مدت ننماید (Dutton, 2012: 1289).

به رغم مزیت‌هایی که برای شهادت از راه دور بیان شده، ایراداتی نیز بر این شیوه شهادت وارد است. به لحاظ فنی ممکن است برخی از کشورهای توسعه‌نیافته، زیرساخت و «پهنای باند»^۴ مناسبی برای ایجاد این ارتباط نداشته باشند (Lorenz & Paradis, 2005: 237) و به این سبب، به هنگام ادای شهادت از طریق ویدئوکنفرانس، «سخت‌افزار»^۵ یا «نرم‌افزار»^۶ مورد استفاده دچار نقص فنی شود (جلالی فراهانی، ۱۳۸۶: ۸۷) یا داده‌هایی که از این طریق منتقل می‌شوند، به واسطه «حک»^۷ شدن، مورد تحریف و تغییر قرار بگیرند (مؤذن‌زادگان و شایگان، ۱۳۸۸: ۸۱). به لحاظ حقوقی نیز مخالفان معتقدند به این سبب که چنین شهادتی، «چهره به چهره»^۸ نیست، حق متهم نسبت به مواجهه با ادله ارائه‌شده علیه او نقض می‌گردد و چنین شهادتی نمی‌تواند به میزانی که شهادت در حضور متهم

1. Criminal justice.
2. Inability.
3. Unwillingness.
4. Bandwidth.
5. Hardware.
6. Software.
7. Hack.
8. Face to face.

می‌تواند به راستگویی منجر گردد، چنین نتیجه‌ای را به دنبال داشته باشد. همچنین شهادت از راه دور - در مقایسه با شهادت حضوری - نمی‌تواند فرصت ارزیابی رفتار و صداقت شاهد را برای قضاوت فراهم آورد و با عدم ایجاد توازن میان منافع طرف‌های رسیدگی، «دادرسی منصفانه»^۱ را تضمین نمی‌کند (Dutton, 2012: 1285, 1298). به علاوه، حق متهم نسبت به مواجهه، ارزیابی و پرسش از شاهد^۲ - که در اساسنامه دادگاه‌های بین‌المللی تصریح گردیده است^۳ - لطمه می‌بیند (Combs, 2011: 329). ایراد دیگری که در این خصوص مطرح می‌شود، نقض اصل «بی‌واسطگی»^۴ است که بر اساس آن، شهادت باید به صورت شخصی ارائه گردد (De Smet, 2009: 420). به هر حال، با توجه به اینکه جرم از امور اتفاقیه است و تحصیل سند کتبی جز در خصوص برخی از جرایم معین امکان‌پذیر نیست، به رغم برخی مضرات شهادت نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد (آخوندی، ۱۳۶۸: ۱۱۶-۱۱۸).

با وجود ایرادات فوق، دادگاه‌های بین‌المللی کیفری بر شهادت «شفاهی»^۵ به عنوان دلیل تأکید دارند.^۶ اما فناوری‌های نوین ارتباطاتی، این رویکرد دادگاه‌های مزبور را تعدیل کرده‌اند. استفاده از شهادت از طریق ویدئوکنفرانس که برای نخستین بار در سال ۱۹۹۶ میلادی - در قضیه «تادیچ» در دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق - اتفاق افتاد، با گذر زمان، بیش از پیش در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی متداول گردید.

1. Fair trial.

۲. در مواجهه شاهد و متهم اصولاً دو هدف دنبال می‌گردد؛ نخست اینکه متهم به راحتی بتواند شاهد را مورد پرسش قرار دهد و دوم اینکه با دیدن چهره به چهره یکدیگر، احتمال دروغ کاهش یابد (مهرافشان، ۱۳۹۳: ۱۷۰).

3. Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, art. 21 (4)(e); Statute of the International Criminal Tribunal for Rwanda, art. 20(4)(e), Statute of the Special Court for Sierra Leone (SCSL), art. 17 (4)(e); Rome Statute of International Court of Justice, art. 67(1)(e).

4. Immediacy.

۵. Oral (viva voce). شهادت شفاهی در رسیدگی‌های دادگاه «نورمبرگ» (Nuremberg) اهمیت چندانی نداشت و در اغلب موارد، ادله ماهیتاً کتبی بودند (Schabas, 2016: 1081).

۶. دادگاه‌های غیر کیفری بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری، تمایل چندانی به پذیرش شهادت به عنوان ادله ندارند (سادات میدانی، ۱۳۹۴: ۲۳۹).

در واقع، با پیشرفت فزاینده فناوری، تأثیر پذیری این دادگاه‌ها از تحولات فناورانه بیشتر شده است.

در این نوشتار تلاش شده است تا با انتخاب دادگاه‌های کیفری بین‌المللی از برهه‌های زمانی متمایز، این تفاوت در عمل نشان داده شود. از این رو، در قسمت بعدی این نوشتار، به بررسی رویکرد دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا، دیوان بین‌المللی کیفری و دادگاه ویژه سیرالئون پرداخته می‌شود.

۲. رویه دادگاه‌های بین‌المللی کیفری در پذیرش شهادت از طریق

ویدئوکنفرانس

در این قسمت، در پرتو مسائل مقدماتی که پیشتر مطرح شد، به بررسی رویکرد محاکم بین‌المللی کیفری (اعم از موردی، دائمی و مختلط) در خصوص پذیرش شهادت از طریق ویدئو کنفرانس پرداخته می‌شود. آغاز این روند، همان گونه که مطرح شد، در رسیدگی‌های دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق است. بنابراین ابتدا به رویه این دادگاه پرداخته می‌شود.

۱-۲. دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق^۱

در حقوق بین‌الملل کیفری، موضوع ارائه شهادت از طریق ویدئوکنفرانس برای نخستین بار در قضیه معروف «تادیچ» در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق مطرح گردید و این در حالی بود که مقررات آیین دادرسی و ادله دیوان هیچ مقرره‌ای در این خصوص نداشت. دیوان تصریح می‌کند «قاعده ۷۱(ت) مقررات آیین دادرسی و ادله دیوان در خصوص امکان ارائه شواهد و ادله از طریق ویدئوکنفرانس ارتباطی به امکان ادای شهادت ویدئویی ندارد، اما به سبب شرایط غیر معمولی که در حین رسیدگی وجود دارد، دیوان با یک رویکرد انعطاف‌پذیر تلاش می‌نماید تا در راستای اجرای عدالت، فرصت ارائه ادله از طریق ارتباط ویدئویی را برای طرف‌های رسیدگی

۱. دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در حال حاضر فعالیتی ندارد و مجموعه‌ای به نام مکانیزم پیش‌بینی شده است که امور باقی‌مانده آن را رتق و فتق می‌کند (بیگزاده، ۱۳۹۴: ۲۷).

فراهم نماید.^۱ همچنین، دیوان به این نتیجه رسید که «وکیل مدافع»^۲ توانسته نشان دهد که علت عدم تمایل شاهدان برای حضور در دادگاه، ترس از بازداشت بوده است^۳ و بر این اساس، دیوان اجازه داد تا ۱۱ شاهد از منطقه‌ای در یوگسلاوی سابق، شهادتشان را به صورت ویدئوکنفرانس به مقر دیوان در «لاهِه»^۴ ارائه نمایند (Ivkovic, 2004: 268). دیوان به همین بسنده نکرد و در ادامه، ویژگی‌های ماهوی و شکلی ادای شهادت ویدئویی را برشمرد. دیوان اعلام می‌کند تنها زمانی شهادت از طریق ویدئوکنفرانس را اجازه می‌دهد که برخی معیارهای مشخص از جمله اهمیت موضوع شهادت و ناعادلانه بودن حکم بدون استماع شهادت و ناتوانی یا بی‌میلی شاهد در مراجعه به دیوان اثبات گردد.^۵ دیوان در خصوص شرایط شکلی مربوط به نحوه انجام شهادت ویدئویی تصریح می‌کند که شهادت باید در یک مکان مناسب مثل سفارتخانه یا دادگاه ارائه شود تا شاهد به گفتن حقیقت ترغیب شود و «امنیت»^۶ و «شان»^۷ رسیدگی حفظ شود. همچنین شهادت باید به طور «ارادی»^۸ «آزادانه»^۹ و تحت نظارت «مأمور اجرا»^{۱۰} ادا شود و شاهد پیش از ادای شهادت،

1. Prosecutor v. Dusko Tadic, Case No. IT-94-1-T, Decision on the Defence Motions to Summon and Protect Defence Witnesses, and on the Giving of Evidence by Video-Link (ICTY, June 25, 1996), para. 18.
 2. Defense counsel.
 3. Prosecutor v. Dusko Tadic, Case No. IT-94-1-T, Decision on the Defence Motions to Summon and Protect Defence Witnesses, and on the Giving of Evidence by Video-Link (ICTY, June 25, 1996), para. 19.
 4. Hague. لاهه یکی از شهرهای کشور هلند است.
 5. Prosecutor v. Dusko Tadic, Case No. IT-94-1-T, Decision on the Defence Motions to Summon and Protect Defence Witnesses, and on the Giving of Evidence by Video-Link (ICTY, June 25, 1996), para. 19.
- دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق یک شرط دیگر نیز در قضیه «بلاسکیچ» به سه شرط مزبور افزود که بر مبنای آن نباید به واسطه ادای شهادت ویدئویی، به حق متهم نسبت به مواجهه با شاهد لطمه ای وارد آید (Calvo-Goller, 2006: 75).
6. Safety.
 7. Solemnity.
 8. Voluntarily.
 9. Freely.
 10. Presiding officer.

سوگند یاد کند و آگاه شود که اظهارات نادرستش می‌تواند مجازات او را به دنبال داشته باشد و در نهایت اینکه فناوری مورد استفاده باید شامل «صفحه نمایش»^۱ هایی باشد تا قضاات، متهم، پرسش‌کننده و شاهد بتوانند همدیگر را به طور واضح مشاهده کنند.^۲ دادگاه با پیش‌بینی این شرایط سخت، دامنه استفاده از شهادت ویدئویی را محدود و محدودتر کرد.^۳ دیوان در قضیه «کوپرسکیچ»^۴ تصریح می‌کند که این نوع ادای شهادت تنها باید به عنوان استثنایی در قبال این اصل کلی تلقی گردد که شهادت باید به‌طور مستقیم و به وسیله دادگاه استماع شود (Weber, 2010: 153) و در قضیه «گوکا»^۵ اعلام می‌کند که این استثنا صرفاً در صورت رضایت طرف‌های رسیدگی قابل اجراست.^۵ در قضیه «دلایچ»^۶ مجدداً این موضوع مورد توجه قرار می‌گیرد (Boas, 2001: 47). دیوان بیان می‌کند هدف از اصل کلی لزوم حضور فیزیکی شاهد در دادگاه، تضمین مواجهه میان شاهد و متهم و مشاهده وضعیت شاهد از سوی قضاات به هنگام ادای شهادت است؛ البته استثنائاتی از جمله ارتباط از طریق ویدئوکنفرانس در این خصوص متصور است.^۶

1. Monitor.
 2. Prosecutor v. Dusko Tadic, Case No. IT-94-1-T, Decision on the Defence Motions to Summon and Protect Defence Witnesses, and on the Giving of Evidence by Video-Link (ICTY, June 25, 1996), para. 22.
 3. Bantekas & Nash, 2003: 305.
 4. Prosecutor v. Vlatko Kupreskic and Others, Case No. IT-95-16-AR73, Appeals Decision on Appeal by Dragan Papic against Ruling to Proceed by Deposition (15 July 1999), p. 3.
 5. Prosecutor v. Kvočka and Others, Case No. IT-98-30-PT Decision to Proceed by Way of Deposition Pursuant to Rule 71, para. 15. November 1999.
 6. Prosecutor v. Zejnil Delalic and Others, Case No. IT-96-21-T, Decision on the Motion to Allow Witnesses K, L and M to Give Their Testimony By Means of Video-Link Conference (May 28, 1997), paras. 14-15.
- دیوان حدود ۱۳ سال بعد در قضیه «گوتوینا»^۷ خاطرنشان می‌کند که عدم حضور فیزیکی شاهد ضمن اینکه هیچ صدمه مادی به متهم وارد نمی‌کند، حق متهم برای مواجهه با شاهد را نیز رعایت می‌کند (Prosecutor v. Ante Gotovina, Case No. IT-06-90-T, Reasons for Decision Granting Prosecution's Motion to Cross-Examine Four Proposed Rule 92 bis Witnesses and Reasons for Decision to Hear the Evidence of Those Witnesses via Video-Conference Link (ICTY, Nov. 3, 2009), para. 8).

دیوان که به سبب سکوت مقررات آیین دادرسی و ادله خود در خصوص امکان ادای شهادت ویدئویی مجبور بود تا در هر قضیه با تفسیر متفاوتی که از قواعد دیوان از جمله قاعده ۷۱- ارائه می‌دهد، این امر را از مقررات آیین دادرسی و ادله‌اش استخراج نماید، در سال ۲۰۰۷ میلادی با اصلاح و افزوده شدن قاعده ۸۱ مکرر به مقررات آیین دادرسی و ادله، این اجازه را به طور صریح دریافت نمود. بر اساس قاعده مزبور، هنگامی که «منافع عدالت»^۱ اقتضا نماید، رسیدگی می‌تواند با ارتباط از طریق ویدئوکنفرانس پی‌گیری شود.^۲ به رغم عدم تعریف عبارت «منافع عدالت»، دیوان در رویه خود تا اندازه‌ای حد و مرز آن را تعیین نموده است.^۳ بر این اساس، سه معیار باید مورد توجه قرار گیرد: دیوان تنها زمانی شهادت از طریق ویدئوکنفرانس را می‌پذیرد که شاهد، «ناتوان»^۴ از حضور در دادگاه است یا دلایل مناسبی برای «عدم تمایل»^۵ به حضور دارد؛^۶ موضوع شهادت به اندازه‌ای بااهمیت است که در صورت عدم ارائه آن، نسبت به طرف

1. Interests of justice.
2. Rules of Procedure and Evidence of ICTY, U.N. Doc. IT/32 (Feb. 11, 1994), Rule 81 bis.
3. Prosecutor v. Radovan Karadzic, Case No. IT.95-5/18-T, Decision on Prosecution's Motion for Testimony to Be Heard via Video-Conference Link, paras. 5-6 (ICTY, June 17, 2010); Prosecutor v. Jovica Stanisic, Case No. IT-03-69-T, Decision on Prosecution Motions to Hear Witnesses by Video-Conference Link, para. 8 (ICTY, Feb. 24, 2010); Prosecutor v. Ante Gotovina, Case No. IT-06-90-T, Reasons for Decision Granting Prosecution's Motion to Cross-Examine Four Proposed Rule 92 bis Witnesses and Reasons for Decision to Hear the Evidence of Those Witnesses via Video-Conference Link, para. 7 (ICTY, Nov. 3, 2009); Prosecutor v. Dusko Tadic, Case No. IT-94-1-T, Decision on the Defence Motions to Summon and Protect Defence Witnesses, and on the Giving of Evidence by Video-Link, para. 19 (ICTY, June 25, 1996).
4. Unable.
5. Unwilling.
۶. دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه «استانسلیچ» تصریح می‌کند که دادستان به نحو مناسبی اثبات نموده که بر اساس گزارش پزشک، یکی از شاهدان به سبب وضعیت جسمانی نامساعد از سفر به لاهه ناتوان است و دو شاهد دیگر که بیش از ۷۵ سال دارند، دلیل موجه برای عدم انجام این سفر دارند (Prosecutor v. Jovica Stanisic, Case No. IT-03-69-T, Decision on Prosecution Motions to Hear Witnesses by Video-Conference Link (ICTY, Feb. 24, 2010), paras. 12-14).

درخواست کننده، ناعادلانه رفتار شده است و اینکه چنین شهادتی نباید به حق متهم برای مواجهه با شاهد خللی وارد آورد (Dutton, 2012: 1293). با این حال، دیوان در قضیه «گوتوینا» تصریح می کند با اینکه سه معیار مزبور می تواند به عنوان راهنماهایی در رابطه با تصمیم دیوان نسبت به پذیرش شهادت ویدئویی تلقی گردد، معیار اصلی تصمیم گیری، این مسئله است که آیا چنین اجازه ای با «منافع عدالت» سازگار خواهد بود یا خیر؟^۱ در واقع، پذیرش شهادت از طریق ارتباط ویدئویی با توجه به «واقعیت»^۲ های هر قضیه و به صورت «مورد به مورد»^۳ از سوی دیوان بررسی شده و بر اساس تشخیص و «صلاح دید»^۴ دیوان اجازه داده می شود.

۲-۲. دادگاه کیفری بین المللی روآندا

در اساسنامه و قواعد دادگاه کیفری بین المللی روآندا، قاعده خاصی در مورد پذیرش شهادت از طریق ارتباط ویدئویی وجود ندارد و حتی در مقررات آیین دادرسی و ادله دیوان صراحتاً ذکر شده که «شهود باید به صورت شخصی و در محضر دادگاه ادای شهادت کنند».^۵ اما دادگاه کیفری بین المللی روآندا - به مانند دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق - این امکان را در رویه خود مورد پذیرش قرار داده است. دیوان در رویه خود تصریح نموده است هنگامی که شهادت از طریق ویدئوکنفرانس برای تضمین امنیت شاهد ضروری است یا منافع عدالت اقتضا می کند، شهادت ویدئویی را می پذیرد. دیوان در قضیه «باگوسورا» و قضیه «نیزی پمانا» خاطرنشان می کند در احراز «منافع عدالت»، اهمیت موضوع شهادت، ناتوانی یا بی میلی شاهد

1. Prosecutor v. Ante Gotovina, Case No. IT-06-90-T, Reasons for Decision Granting Prosecution's Motion to Cross-Examine Four Proposed Rule 92 bis Witnesses and Reasons for Decision to Hear the Evidence of Those Witnesses via Video-Conference Link (ICTY, Nov. 3, 2009), para. 12.
2. Fact.
3. Case by case.
4. Discretion.
5. Rules of Procedure and Evidence of United Nations International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR), Rule 90(A).

نسبت به حضور در دادگاه و دلایل شاهد در این خصوص باید مورد ارزیابی دیوان قرار گیرد.^۱ دیوان در قضیه «نیزی یمانا» می‌افزاید «هر طرف قضیه که درخواست ادای شهادت از طریق ارتباط ویدئویی را دارد، «بار اثبات»^۲ موارد مذکور را بر عهده دارد و او باید دیوان را متقاعد نماید که اگر اجازه ادای شهادت ویدئویی داده نشود، شاهد هرگز نخواهد توانست دانسته‌های خود را به سمع و نظر دیوان برساند».^۳ شرط اخیر حاکی از این است که همان‌طور که دیوان خود به این واقعیت اذعان داشته است^۴ - استماع شهادت از طریق ارتباط ویدئویی، یک حالت استثنایی است که تنها در صورت وجود ادله مناسب و دلایل مشروع پذیرفته می‌شود. بر این اساس، دیوان بر این نظر است که ادای شهادت از طریق ویدئوکنفرانس باید به عنوان «آخرین راه حل»^۵ مورد استفاده قرار گیرد. دیوان در قضیه «موانی» تصریح می‌کند زمانی که درخواست ادای شهادت از طریق ویدئوکنفرانس به دیوان ارائه می‌شود، دیوان این موضوع را بررسی می‌کند که آیا حضور مجازی شاهد به جای حضور فیزیکی آن، امکان و فرصت طرف‌های رسیدگی در خصوص ارزیابی شاهد را کاهش می‌دهد یا خیر؟^۶ دیوان در رابطه با مصادیق ناتوانی یا بی‌میلی شاهد نیز رویه قابل ملاحظه‌ای دارد. دیوان تصریح می‌کند که سن یا شرایط جسمی یا روحی نامساعد شاهد می‌تواند به عنوان شرایط استثنایی تلقی گردد.^۷ در

1. Prosecutor v. Bagosora, Case No. ICTR-98-41-T, Decision on the Prosecution Request for Testimony of Witness BT via Video-Link (TC) (Oct. 8, 2004), para. 8; Prosecutor v. Nizeyimana, Case No. ICTR-00-55C-T, Decision on Prosecutor's Extremely Urgent Motion for Testimony via Video-Link (Feb. 14, 2011), para. 5.
2. Burden of proof.
3. Prosecutor v. Nizeyimana, Case No. ICTR-00-55C-T, Decision on Prosecutor's Extremely Urgent Motion for Testimony via Video-Link (Feb. 14, 2011), para. 6.
4. Prosecutor v. Ndahimana, Case No. ICTR-2001-68-T, Decision on Defence Motion to Hear the Testimony of Witnesses BX7 and FB1 via Video Link (Feb. 25, 2011), para. 16.
5. Last Resort.
6. Prosecutor v. Muvunyi, Case No. ICTR-2000-55A-PT, Decision on Prosecution's Motion to Have Prosecution Witness NN Testify by Video-Link (Dec. 30, 2008), para. 2.
7. Prosecutor v. Bagosom and Others, Case No. ICTR-98-41-I, Decision on Prosecutor's Motion for Deposition of Witness OW (5 December 2001), para. 12.

قضیه «ریکوندو» که مدارک پزشکی یکی از شاهدان حاکی از آن بود که او بسیار مریض‌تر از آن است که بتواند از روآندا به «آروشا»^۱ (مقر دیوان) مسافرت کند و شاهد دیگر - که قبلاً نیز پس از شهادت در دیوان مورد حمله قرار گرفته و مجروح شده بود - نیز از عواقب حضور نزد دیوان واهمه داشت، دیوان شهادت از طریق ویدئوکنفرانس را در مورد هر دوی آن‌ها پذیرفت.^۲

به طور کلی، رویکرد دادگاه کیفری بین‌المللی روآندا نسبت به موضوع شهادت از طریق ارتباط ویدئویی نیز به مانند دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق یا حتی سختگیرانه‌تر از آن بوده است. در قضیه «زیج رانی رازو»، دادگاه کیفری بین‌المللی روآندا با اینکه دلایل شاهد در خصوص ترس نسبت به امنیت خود را می‌پذیرد، اعلام می‌کند که دیوان قادر است تا تدابیر امنیتی بالایی را برای تأمین امنیت او در آروشا اتخاذ نماید و از این رو، شاهد باید به صورت حضوری ادای شهادت کند.^۳ حتی در قضیه «نامی هیگو» نیز که در نهایت، ادای شهادت از طریق ارتباط ویدئویی مورد پذیرش دیوان قرار گرفت، دیوان قبلاً از طریق قانونی تلاش کرده بود تا با مذاکره با کارفرمای شاهد، شرایط حضور او در دیوان را فراهم نماید که البته کارفرما راضی به آن نشد.^۴ به رغم سختی در پذیرش شهادت ویدئویی، دیوان پس از پذیرش و ادای شهادت، آن را کافی قلمداد می‌نماید. دیوان در قضیه «ریکوندو»، پس از اینکه شهادت شهود را از طریق ویدئوکنفرانس استماع نمود، درخواست وکیل مدافع مبنی بر لزوم سفر کردن طرف‌های رسیدگی به روآندا برای ملاقات حضوری با شاهد را اقدامی

۱. Arusha (آروشا) نام شهری در کشور تانزانیا (Tanzania) است.

2. Prosecutor v. Rukundo, Case No. ICTR-2001-70-PT, Decision on the Prosecutor's Urgent Motion for Witnesses BPA and BLR to Give Testimony via Video-Link (Mar. 1, 2007), paras. 5, 13, 14.
3. Prosecutor v. Zigiranyirazo, Case No. ICTR-2001-73-T, Decision on the Prosecution Joint Motion for Re-Opening Its Case and for Reconsideration of the 31 January 2006 Decision on the Hearing of Witness Michel Bagaragaza via Video-Link (Nov. 16, 2006), para. 24.
4. Prosecutor v. Nchamihigo, Case No. ICTR-2001-63-T, Decision on the Prosecution Motion to Hear the Testimony of Witness LM by Video-Link (Jan. 25, 2007), paras. 5-6.

۲-۳. دیوان کیفری بین‌المللی

برای نخستین بار در مقررات آیین دادرسی و ادله یک دادگاه بین‌المللی، ادای شهادت از طریق ویدئوکنفرانس در مقررات آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفت. بر اساس قاعده ۶۷(۱)(۳) مقررات آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان پس از احراز دو شرط ممکن است اجازه شهادت ویدئویی یا صوتی را بدهد: فناوری مورد استفاده این قابلیت را داشته باشد که امکان ارزیابی شاهد در حین ادای شهادت را برای دیوان، «دادستان»^۲ و وکیل مدافع فراهم کند؛ و اینکه شعبه رسیدگی کننده - با کمک «دفتر شعبه»^۳ - اطمینان حاصل نماید که مکان ادای شهادت برای اظهار واقعیت و رعایت امنیت، «رفاه»^۴ جسمی و روانی، شأن و «کرامت»^۵ و «حریم خصوصی»^۶ شاهد، مساعد است.^۷ همان طور که مشخص است، در دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص پذیرش شهادت از راه دور بسیار منعطف‌تر از دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا عمل شده است. دلایل متعددی در این خصوص قابل ذکر است. دلیل اصلی این انعطاف، رشد قابل ملاحظه فناوری‌های نوین در زمان فعالیت دیوان کیفری بین‌المللی - در مقایسه با دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا - است. البته دلایل حقوقی نیز وجود دارد. نخست اینکه دولت‌های طرف اساسنامه دیوان صرفاً متعهد هستند که شهادت شهود - با گرفتن «قسم»^۸ از شاهد - را در سرزمین خود

1. Prosecutor v. Rukundo, Case No. ICTR-2001-70-PT, Decision on the Prosecutor's Urgent Motion for Witnesses BPA and BLR to Give Testimony via Video-Link (Mar. 1, 2007), para. 15.
2. Prosecutor.
3. Registry.
4. Well-being.
5. Dignity.
6. Privacy.
7. Rules of Procedure and Evidence of International Criminal Court, art. 67(1)(3).
8. Oath.

تسهیل نمایند^۱ و نمی‌توان شهود را برای سفر به لاهه مجبور کرد (Gray, 2004: 311). افزون بر این، دیوان که برای مبارزه با «بی‌کیفرمانی»^۲ مرتکبان شدیدترین جنایاتی که علیه «جامعه بین‌المللی در کل»^۳ ارتکاب یافته، تشکیل شده است،^۴ نباید با سختگیری‌های شکلی، مانع شهادت شهود علیه این مرتکبان و در نتیجه عدم مجازات آن‌ها شود.

علاوه بر شرایط آسانی که در خصوص پذیرش شهادت از طریق ارتباط ویدئویی پذیرفته شده است، دیوان دو ابتکار بدیع و قابل توجه در این خصوص دارد. نخست اینکه در دیوان کیفری بین‌المللی، شهادت صوتی از راه دور نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. در واقع می‌توان تصور کرد که یک شاهد بتواند از «تلفن همراه»^۵ خود، شهادتش را به دیوان ارائه نماید که این رویکرد، انتقادات قابل تأملی را در خصوص نقض اصل لزوم مواجهه شاهد و متهم مطرح می‌کند. نوآوری بعدی مربوط به ماده ۶۹(۲) اساسنامه دیوان می‌شود که حتی شهادت ویدئویی یا صوتی از قبل ضبط‌شده نیز تحت شرایطی - مورد پذیرش دیوان قرار خواهد گرفت (Cryer & Others, 2007: 384).

دیوان این صلاحدید وسیع را حتی در عمل نیز برای خود مورد تصریح قرار داده است. دیوان در قضیه «لوبانگا» تصریح می‌کند که اجازه شهادت از طریق ویدئوکنفرانس تنها محدود به شرایطی نیست که شاهد ناتوان یا بی‌میل از حضور در دادگاه باشد، بلکه دیوان ممکن است در این راستا طیف گسترده‌ای از عوامل را مورد توجه قرار دهد.^۶ دیوان در رویه خود در خصوص پذیرش شهادت از راه دور، بسیار آسان گرفته است. در قضیه «لوبانگا» استدلال جالبی در خصوص پذیرش شهادت از راه دور در دیوان مطرح شد، مبنی بر اینکه اگر شاهد که در «ایتوری»^۷ کنگو زندگی

1. Rome Statute of the International Criminal Court 1998, art. 93(1)(b).
2. Impunity.
3. International community as a whole.
4. Rome Statute of the International Criminal Court 1998, Preamble.
5. Mobile.
6. Prosecutor v. Lubanga Dyilo, Case No. ICC-01/04/01-06, Redacted Decision on the Defence Request for a Witness to Give Evidence via Video-Link (Feb. 9, 2010), paras. 3, 14-16.
7. Ituri.

می‌کند، مجبور به مسافرت به کشور هلند شود، به سبب عدم آشنایی با اصول اولیه زندگی در اروپا و مشکلاتش در تطابق با شرایط جدید، دچار پریشانی خواهد شد (McCausland, 2010: 502). همچنین در قضیه «بمبا گومبا» دیوان ادعای وکیل مدافع را مبنی بر اینکه در موارد بیماری، اجازه شهادت از راه دور تنها محدود به مواردی است که شاهد از سفر منع شده است، رد نمود.^۱

۲-۴. دادگاه ویژه سیرالئون

در مقررات آیین دادرسی و ادله دادگاه ویژه سیرالئون - به مانند مقررات آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی - شهادت از راه دور پذیرفته شده است. بر این اساس، شهادت می‌تواند به صورت مستقیم در دادگاه یا از طریق «وسایل ارتباطاتی»^۲ از جمله ویدئو یا «تلویزیون مدار بسته»^۳ ارائه گردد.^۴ در قضیه «تیلور» در دادگاه سیرالئون، استدلال جالبی در خصوص ادای شهادت از طریق ویدئوکنفرانس مطرح گردید. در این قضیه ادعا شد که بر اساس قاعده ۸۵ مقررات آیین دادرسی و ادله، ادای شهادت از طریق ویدئوکنفرانس، اصل است و طرف مخالف با درخواست باید ثابت نماید که چرا نباید به شاهد چنین اجازه‌ای داده شود. دیوان این استدلال را نمی‌پذیرد و اعلام می‌کند با اینکه مقرر مزبور هیچ پیش شرطی را برای شهادت ویدئویی ذکر نمی‌کند، این ماده و سایر قواعد دیوان، نشان‌دهنده این ترجیح عمومی است که شهود باید به طور مستقیم در محضر دادگاه ادای شهادت کنند.^۵ در قضیه مزبور، دادگاه برخی از شرایط شکلی شهادت از طریق ویدئوکنفرانس را مورد اشاره

1. Prosecutor v. Bemba Gombo, Case No. ICC-01/05-01/08-947, Redacted Decision on the “Request for the Conduct of the Testimony of Witness CAR-OTP-WWWW-0108 by Video-Link”, (Oct. 12, 2010), paras. 5-15.
2. Communications media.
3. Closed-circuit television.
4. Rules of Procedure and Evidence of the Special Court for Sierra Leone SCSL, art. 85(D).
5. Prosecutor vs. Charles Ghankay Taylor, Case No. SCSL-03-01-PT-217, Decision on Prosecution Motion to Allow Witnesses to Give Testimony by Video-Link, paras. 22-27.

قرار می‌دهد. بدین ترتیب که حضور مأمور دادگاه در مکان ادای شهادت برای نظارت و مطلع نمودن شاهد از وظایفش ضروری است و دادگاه حضور نمایندگان طرف‌های رسیدگی را نیز در این مکان اجازه خواهد داد. همچنین شاهد نیز باید بتواند قضاوت، متهم و پرسش‌کننده را از صفحه نمایش مشاهده کند.^۱

در دادگاه سیرالئون نیز به مانند دیوان کیفری بین‌المللی، پذیرش شهادت از طریق ویدئوکنفرانس مشمول شرایط سختگیرانه‌ای نشده است. البته دادگاه سیرالئون با ارائه یک استدلال هوشمندانه در قضیه «سزی»، صلاحیت گسترده‌ای را در خصوص پذیرش شهادت از طریق ویدئوکنفرانس برای خود در نظر می‌گیرد. در قضیه مزبور، بر این نکته تأکید می‌شود که دادگاه سیرالئون متمایز از دو دادگاه یوگسلاوی و روانداست، به این سبب که در کشوری تشکیل شده است که جرایم ادعایی، ارتکاب یافته است.^۲ بنابراین باید تدابیر حمایتی بیشتری برای حمایت از شهود -از جمله عدم افشای نام و استفاده از «نام مستعار»^۳ برای آن‌ها- اتخاذ نماید (McLaughlin, 2007: 198-199) و ادای شهادت از طریق ارتباط ویدئویی و از مکانی خارج از دادگاه، امنیت بیشتری برای شهود فراهم می‌کند.^۴

نتیجه‌گیری

رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی که با هدف استقرار عدالت و در راستای مقابله با بی‌کیفرمانی -که از عوامل تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود- تشکیل

1. Prosecutor v. Charles Ghankay Taylor, Case No. SCSL-03-1-T, Decision on Public Prosecution Motion to Allow Witness TF1-303 to Give Testimony by Video-Link, 3.

۲. در قضیه «سزی»، دادگاه سیرالئون شهادت از طریق ویدئوکنفرانس را به این سبب که شاهد به تازگی وضع حمل کرده بود، پذیرفت (Prosecutor v. Charles Ghankay Taylor, Case No. SCSL-03-1-T, Decision on Public Prosecution Motion to Allow Witness TF1-303 to Give Testimony by Video-Link (Nov. 18, 2008)).

3. Pseudonyms.

4. Prosecutor v. Issa Hassan Sesay, Case No. SCSL-2004-15-T, Decision on Prosecution Motion for Modification of Protective Measures for Witnesses (SCSL Trial Chamber 5 July 2004).

شده‌اند، نشان می‌دهد که آن‌ها هرگز عدالت را قربانی «فرمالیسم حقوقی»^۱ ننموده‌اند و حتی در مواردی که «سند مؤسس»^۲ و قواعد رسیدگی آن‌ها، هیچ اجازه‌ای در خصوص پذیرش شهادت از طریق ارتباط ویدئویی به آن‌ها نداده است (عملکرد دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ) یا هنگامی که مقررات آیین دادرسی و ادله، ادای شهادت حضوری را ضروری قلمداد نموده است (عملکرد دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا)، شهادت از طریق ویدئوکنفرانس را در عمل مورد پذیرش قرار داده‌اند. البته در آغاز راه، استفاده از فناوری‌های نوین برای ادای شهادت به آسانی مورد پذیرش دادگاه‌های بین‌المللی قرار نمی‌گرفتند؛ اما در ادامه، فناوری‌ها خود را به این دادگاه‌ها تحمیل نمودند. در قضیه تادیچ به عنوان نخستین پرونده‌ای که در یک دادگاه کیفری بین‌المللی امکان ادای شهادت از طریق ویدئوکنفرانس مورد بحث قرار گرفت، دیوان ارزش پایینی برای این شیوه از ادای شهادت در نظر می‌گیرد و اعلام می‌کند که اگرچه ارزش اثباتی شهادت ویدئویی بالاتر از شهادت کتبی است، اما وزن پایین‌تری در مقایسه با شهادت در محضر دادگاه دارد.^۳ اما گذشت زمان سبب شد تا دیوان از نظر خود برگردد و در قضیه «گوتوینا» دقیقاً برعکس اظهارنظر سابق خود را بیان کند: شهادت از طریق ویدئوکنفرانس باید دارای ارزش اثباتی بیشتری نسبت به شهادت ارائه‌شده در دادگاه تلقی گردد.^۴

1. Legal formalism.

2. Constituent instrument.

3. Prosecutor v. Dusko Tadic, Case No. IT-94-1-T, Decision on the Defence Motions to Summon and Protect Defence Witnesses, and on the Giving of Evidence by Video-Link (ICTY, June 25, 1996), para. 21.

دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، پایین بودن ارزش اثباتی شهادت ویدئویی نسبت به شهادت در دادگاه را در قضیه «دلالیچ» (Prosecutor v. Zejnil Delalic and Others, Case No. IT-96-21-T, Decision on the Motion to Allow Witnesses K, L and M to Give Their Testimony by Means of Video-Link Conference (28 May 1997), para. 18) مورد تأکید مجدد قرار داد (Schabas, 2006: 475).

4. Prosecutor v. Ante Gotovina, Case No. IT-06-90-T, Reasons for Decision Granting Prosecution's Motion to Cross-Examine Four Proposed Rule 92 bis Witnesses and Reasons for Decision to Hear the Evidence of Those Witnesses via Video-Conference Link (ICTY, Nov. 3, 2009), para. 8.

در واقع، علاوه بر اینکه متناسب با رشد فناوری در طول زمان، دادگاه‌های بین‌المللی جدیدالتأسیس - مثل دادگاه ویژه سیرالئون^۱ - تمایل بیشتری به کاربرد فناوری‌های نوین در استماع شهادت شهود دارند، دادگاه‌های بین‌المللی قدیمی‌تر نیز در رویه جدید خود رویکرد منعطف‌تری نسبت به این موضوع اتخاذ نموده‌اند؛ برای مثال، دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق که در سال ۱۹۹۶ در قضیه تادیچ، شرایط سختگیرانه‌ای را در این خصوص برشمرده بود، در قضیه «گوتوینا» در سال ۲۰۰۹، فناوری ویدئوکنفرانس را به عنوان یکی از عوامل توانمندی دیوان توصیف نمود: «ابزارهایی مثل ویدئوکنفرانس، شعبه دادگاه را تا محل زندگی شاهد امتداد می‌دهند»^۲، و در همین قضیه، صرفاً به سبب لزوم «رسیدگی سریع»^۳ و «به اختیار خود»^۴ شهادت را از طریق ارتباط ویدئویی استماع نمود.^۵

۱. به عنوان یک موضوع بدیع، در مقررات آیین دادرسی و ادله دادگاه سیرالئون مقرر شده است که اگر متهم از دادگاه اخراج شد، باید شرایطی فراهم گردد تا - در صورت امکان- او بتواند جریان رسیدگی را از طریق ارتباط ویدئویی دنبال نماید (Rules of Procedure and Evidence of Special Court for Sierra Leone (SCSL), rule 80)
2. Prosecutor v. Ante Gotovina, Case No. IT-06-90-T, Reasons for Decision Granting Prosecution's Motion to Cross-Examine Four Proposed Rule 92 bis Witnesses and Reasons for Decision to Hear the Evidence of Those Witnesses via Video-Conference Link (ICTY, Nov. 3, 2009), para. 8.
3. Expeditious trial.
4. Proprio motu.
5. Prosecutor v. Ante Gotovina, Case No. IT-06-90-T, Reasons for Decision Granting Prosecution's Motion to Cross-Examine Four Proposed Rule 92 bis Witnesses and Reasons for Decision to Hear the Evidence of Those Witnesses via Video-Conference Link (ICTY, Nov. 3, 2009), para. 12.

کتاب‌شناسی

۱. آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری*، تهران، دکتری حقوق بین‌الملل عمومی واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۶۸ ش.
۲. ابراهیم گل، علیرضا، «ابعاد شهادت در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۳۷، ۱۳۸۶ ش.
۳. بیگ‌زاده، ابراهیم، *تقریرات درس حقوق بین‌الملل کیفری*، تهران، دکتری حقوق بین‌الملل عمومی واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۹۴ ش.
۴. تقی‌پور، علیرضا، «محدودیت‌های حق پرسش متهم از شاهد در قواعد دادرسی و رویه قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی»، *مجله فقه و حقوق اسلامی*، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۰ ش.
۵. تیلور، بی. دون، «آماده‌سازی شهود در حقوق بین‌المللی کیفری: آیا افزایش اختلافات شکلی در دادگاه‌های بین‌المللی کیفری مایه نگرانی است؟»، ترجمه منصور فرخ‌سیری، *ویژه‌نامه مجله حقوقی بین‌المللی*، ۱۳۸۹ ش.
۶. جلالی فراهانی، امیرحسین، «استنادپذیری ادله الکترونیکی در امور کیفری»، *مجله فقه و حقوق*، شماره ۱۵، ۱۳۸۶ ش.
۷. دمیتس و دیونیسوس، «نقش سامانه‌های اطلاعات در پیشگیری و کشف جرایم فراملی و بین‌المللی»، ترجمه سیدبهمن خدادادی و مهدی غلامپور، مقاله در: باتکاس، ایلپاس و امانولا میلوناکی، *رویکردهای جرم‌شناختی به حقوق بین‌المللی کیفری*، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، تهران، میزان، ۱۳۹۷ ش.
۸. رضوی فرد، بهزاد و حسن فقیه محمدی، «رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی در قبال فرایند آماده‌سازی شهود»، *بزه‌شناسی حقوقی*، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۹۰ ش.
۹. سادات میدانی، سیدحسین، «پذیرش و اعتبار شهادت و شهادت کارشناسی در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره چهل و پنجم، شماره ۲، ۱۳۹۴ ش.
۱۰. مؤذن‌زادگان، حسنعلی و محمدرسول شایگان، «استنادپذیری و تحصیل ادله الکترونیکی در حقوق کیفری ایران»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۴۸، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. مهرافشان، علیرضا، «رسیدگی به اتهام از طریق ویدئوکنفرانس»، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره ششم، شماره ۴، ۱۳۹۳ ش.
۱۲. نژندی‌منش، هیبت‌الله و وحید بَدَّار، «نقش فضای مجازی در مذاکرات و روابط بین‌المللی»، *فصلنامه آرمان حقوقی*، شماره ۱، ۱۳۹۶ ش.
13. Bantekas, Ilias & Susan Nash, *International Criminal Law*, 2nd Ed., United States, Cavendish Publishing, 2003.
14. Boas, Gideon, "Creating Laws of Evidence for International Criminal Law: The ICTY and the Principle of Flexibility", *Criminal Law Forum*, Vol. 12, 2001.
15. Calvo-Goller, Karin N. *The Trial Proceedings of the International Criminal Court: ICTY and ICTR Precedents*, Netherlands, Martinus Nijhoff Publishers, 2006.
16. Combs, Nancy Amoury, "Evidence", in: *Routledge Handbook of International Criminal Law*, William A. Schabas & Nadia Bernaz (Eds.), New York, Routledge, 2011.
17. Cryer, Robert & Hakan Friman & Darryl Robinson & E. Wilmschurst, *An Introduction*

- to *International Criminal Law and Procedure*, Cambridge University Press, 2007.
18. De Smet, Simon, "A structural analysis of the role of the Pre-Trial Chamber in the fact-finding process of the ICC", in: *The Emerging Practice of the International Criminal Court*, Carsten Stahn & Göran Sluiter (Eds.), Netherlands, Martinus Nijhoff Publishers, 2009.
 19. Dutton, Yvonne M., "Virtual Witness Confrontation in Criminal Cases A Proposal to Use Videoconferencing Technology in Maritime Piracy", *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, Vol. 45, 2012.
 20. Gray, Kevin R., "Evidence Before the ICC", in: *The Permanent International Criminal Court: Legal and Policy Issues*, Dominic McGoldrick & Peter Rowe & Eric Donnelly (Eds.), North America, Hart Publishing, 2004.
 21. Ivkovic, Sanja Kutnjak, "Justice by the international criminal tribunal for the former Yugoslavia", *Stanford Journal of International Law*, Vol. 37, 2004.
 22. Jackson, Sheryl, "Court-Provided Trial Technology: Efficiency and Fairness for Criminal Trials", *Common Law World Review*, Vol. 39, 2010.
 23. Lorenz, Frederick & Kelly Paradis, "Evidentiary Issues in Piracy Prosecution", in: *Prosecuting Maritime Piracy: Domestic Solutions to International Crimes*, Michael P. Scharf & Michael A. Newton & Milena Sterio (Eds.), New York, Cambridge University Press, 2005.
 24. McCausland, Julieta Solano, "Enrique Carnero Rojo, Developments at the International Criminal Court", *Law and Practice of International Courts and Tribunals*, Vol. 9, 2010.
 25. McLaughlin, Colin T., "Victim and Witness Measures of the International Criminal Court: A Comparative Analysis", *Law and Practice of International Courts and Tribunals*, Vol. 6, 2007.
 26. Schabas, William A., *The International Criminal Court: A Commentary on the Rome Statute*, 2nd Ed., New York, Oxford University Press, 2016.
 27. Id., "International Criminal Tribunals: A Review of 2007", *Northwestern University Journal of International Human Rights*, Vol. 6, 2008.
 28. Id., *The UN International Criminal Tribunals: The Former Yugoslavia, Rwanda and Sierra Leone*, New York, Cambridge University Press, 2006.
 29. Weber, Romana, "Witness Protection at International Criminal Tribunals: Previous Experiences as Lessons for the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia", *City University of Hong Kong Law Review*, Vol. 2, 2010.
 30. Zakerhossein, Mohammad Hadi & Anne-Marie De Brouwer, "Diverse Approaches to Total and Partial in Absentia Trials by International Criminal Tribunals", *Criminal Law Forum*, Vol. 26, 2015.



موجز المقالات

تاريخ الإدانة الجنائية كدليل على «الحالة الخطرة»

وتطبيقها على عقوبات السجن البديلة

□ عبد العليّ توجّهي (أستاذ مشارك بجامعة شاهد)

□ إبراهيم زارع (طالب دكتوراه في القانون الجنائيّ وعلم الجريمة بجامعة طهران، برديس فارابيّ)

تمّ تقديم مفهوم «الحالة الخطرة» في القرن التاسع عشر وعلى أساس ضرورة توفير الدفاع الاجتماعيّ من قبل منظري المدرسة الوضعيّة. يمكن رؤية الآثار التشريعيّة لهذا المفهوم والتشريع القائم على مفهوم الخطر في كافّة أنحاء قانون العقوبات الإسلاميّ. ما يضيفى مصداقيّة على كلّ هذه التحليلات الجنائيّة هو النموذج التشريعيّ الذي يحدّد كفاءة وفعاليّة الكيان القانونيّ. تتناول هذه المقالة دراسة الشروط الاختصاصيّة لوجود سجل إدانة جنائيّة تستند إلى مفهوم الخطر، في عقوبات السجن البديلة (الفقرات ألف وب المادّة ٦٦ ق.م.ا). بشكل مستقلّ وكذلك مقارنة هذا المفهوم في مؤسّسات القانون الأخرى من أجل تقييم مفهوم الخطر في هذا الكيان القانونيّ، وعلى أساس ذلك تقييم أداء المشرّع في الاستفادة من مفاهيم علم الجريمة. ما يتبادر إلى الذهن في بداية الأمر

هو الاستخدام الصحيح والسليم لهذا المفهوم، ولكن بعد تحليل هذه المادة سيّضح أنّه بالإضافة إلى الثغرات وأوجه القصور الموجودة في هذه المادة، فإنّ استخدام المشرّع لمفهوم حالة الخطر مقارنة بجميع المؤسسات القانونيّة فيه إشكال. كذلك سيظهر أنّ الاستعمال غير المناسب لمفهوم حالة الخطر بخصوص العقوبات البديلة للسجن من قبل المشرّع تشمل مصاديق لحالة الخطر لا تستحقّ الاهتمام، ومن جهة أخرى تمّ إهمال أشكال أخرى من مصاديق الحالة الخطرة والتي هي هامّة وتستحقّ الاهتمام. وقد أدّى أداء المشرّع إلى أن يتعرّض مفهوم حالة الخطر لنوع من الازدواجيّة مقارنة ببدائل السجن مع مؤسسات إنفاذ القانون الأخرى وبالتالي أدّى إلى التعلّط التامّ وعدم الانسجام في التشريعات.

الكلمات الأساسيّة: مفهوم الخطر، العقوبات البديلة للسجن، مصاديق الخطر، سجل الإدانة الجنائيّة.

المبادئ والنطاق والآثار الفقهيّة - القانونيّة «للحقّ في الصّحة»

للسجناء الذين يعانون من «مرض مستعص»

□ علي مراد حيدريّ

□ أستاذ مشارك بجامعة السيّدة المعصومة (عليها السلام)

يعانى الكثير من المدانين الجنائيّين قبل ذهابهم إلى المحاكمة أو السجن من أمراض يصعب علاجها وتعرف باسم «مستعصية» في الفقه الجنائيّ يتمّ تأخير تنفيذ العقوبة البدنيّة للمرضى أو إلغائها. وضع قانون العقوبات الإيرانيّ آليات علاجية مختلفة للمرضى المدانين. بما في ذلك المادة ٥٠٢ من قانون أصول المحاكمات الجنائيّة، فإذا كان تنفيذ العقوبة سيّشدد المرض أو يؤخّر الشفاء منه، يتمّ تأخير تنفيذه، وإذا لم يكن هناك أىّ أمل في تحسّن المريض، يتمّ استبداله «بعقوبة أخرى» من الناحية التطبيقية. فإنّ هذا العمل يستند إلى مفهوم «القدرة على تحمّل العقوبة» حيث يتمّ إحراز ذلك من قبل الطّبّ الشرعيّ. السؤال الأوّل هو ما إذا كان المعيار الطّبّيّ كافيًا لإحراز القدرة على تحمّل العقوبة أم لا؟ والسؤال الثاني هو إمكانيّة أو استحالة استخدام مؤسسات أخرى غير التأجيل أو استبدال العقوبة. تتمثّل فكرة المقالة في ضرورة تطبيق المعيار «الطّبّيّ» -

القضائي» في إحراز قدرة تحمل العقوبة على أساس «المرض المستعصي»، واعتماداً على الظروف الصحيّة والاحتياجات الطبيّة لإدارة السجن فإن أفضل حلّ هو «الإعفاء الجنائي» للسجين الذي لديه مرض مستعص.

الكلمات الأساسية: الحقّ في الصحّة، السجن، مرض مستعص، القدرة على تحمّل العقاب، الإفلات من العقاب.

جرائم الحرب وتفاعلها مع الجرائم ضدّ الإنسانيّة والإبادة الجماعيّة

□ محسن قدیر (أستاذ مساعد بجامعة قم)

□ مهديّ كيكسرويّ (طالب دكتوراه في القانون الدوليّ بجامعة قم)

تعتبر جرائم الحرب أول وأقدم وأهمّ الجرائم الدوليّة. في المجال التعاقدی، يوسّع النظام الأساسيّ للمحكمة الجنائيّة الدوليّة، بطريقة عبقرية وتقدّميّة، نطاق جرائم الحرب ليشمل النزاع المسلّح غير الدوليّ بالإضافة إلى النزاع المسلّح الدوليّ، وبالتالي يمكن القول أنّ نظام الازدواجيّة قد اعترف لأول مرّة بازدواجيّة جرائم الحرب بشكل رسميّ. ومع ذلك، في القانون الجنائيّ الدوليّ، من ناحية، لا توجد وحدة رأى بشأن الإطار المفاهيميّ لجرائم الحرب. ومن ناحية أخرى، في النظام الأساسيّ المذكور أعلاه لا توجد قواعد بشأن العلاقة بين أبعاد جرائم الحرب، وبشكل عامّ، التمييز بين جرائم الحرب والجرائم ضدّ الإنسانيّة والإبادة الجماعيّة. هذه الأمور تؤدّي إلى اختلاط الجرائم المطروحة وبالتالي ظهور الاختلافات الجنائيّة على الصعيد الدوليّ. تسعى هذه المقالة إلى توضيح النطاق المفاهيميّ لجرائم الحرب في القانون الجنائيّ الدوليّ من خلال التحليل المتبادل للقواعد التي تحكم أبعاد جرائم الحرب والجوانب المتمايزة لجرائم الحرب مع الجرائم ضدّ الإنسانيّة وكذلك الإبادة الجماعيّة.

الكلمات الأساسية: النظام الداخليّ للمحكمة الجنائيّة الدوليّة، النظام المزدوج في ازدواجيّة جرائم الحرب، الانتهاكات الجديّة، جرائم ضدّ البشريّة، جرائم الإبادة، المسؤولين الحكوميين، المدّيين.

التحقيق في عقد الأمان في حماية حياة الكافر المستأمن (القتل العمد)

من وجهة نظر الفقه والمادة ٣١٠ من قانون العقوبات الإسلامي

- مهدي معظّمى گودرزى (طالب دكتوراه في القانون الدولي بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)
- أحمد مؤمنى راد (أستاذ مساعد بجامعة طهران)
- محمّد معظّمى گودرزى (طالب ماجستير في القانون الجنائي بجامعة طهران، بريس فارابي)

من بين الأحكام المترتبة على حقّ المواطنة عن طريق عقد الأمان، حماية الحياة (القتل العمد) ممّن حصل على حقّ المواطنة (الكافر المستأمن) والتي تتمثل في جانبين؛ إيجابيّ بمعنى معاقبة المتعرّضين لأرواح المواطنين، والسلبيّ والذي هو بمنزلة تخفيف عقوبة المواطن تجاه غير المواطن. لكن القضية التي تمّت مناقشتها في هذا المقال هي نوع الدعم الذي نوّقه للكافر المستأمن في مجال دعم الحياة (القتل العمد) بكلّ من أبعاده من منظور الفقهاء الإمامية، وإلى أيّ مدى تجلّى ذلك في إطار المادة ٣١٠ من قانون العقوبات الإسلامي التي تكفّلت بهذا الأمر الهامّ. يخلص هذا المقال الذي كتب بمنهج تحليليّ - وصفي إلى نتيجة مفادها أنّ حماية حياة الكافر المستأمن في الجانب الإيجابيّ، في حال كان قاتل الكافر المستأمن مسلم، هو السجن، وفي حال كان القاتل غير مسلم فإنّه يحكم بالقصاص. أمّا حماية حياة الكافر المستأمن في الجانب السلبيّ، فإنّ عقوبته السجن في حال كان المقتول كافر حربيّ، ويحكم بالقصاص في الحالات الأخرى. لقد انعكس هذا النهج، على الرغم من وجود أوجه قصور، في المادة ٣١٠ من ذلك القانون.

الكلمات الأساسية: عقد الأمان، الاستيطان، حقّ المواطنة، الكافر، مستأمن.

الحقّ في التعويض والترميم للضحيّة

والتحدّيات التي تواجه المحكمة الجنائيّة الدوليّة

- ندا نيازند (طالب دكتوراه في القانون الجنائي وعلم الجريمة بجامعة آزاد الإسلامية، طهران)
- مهرداد رايحان أصليّ (أستاذ مساعد بمعهد أبحاث البحث وتطوير العلوم الإنسانيّة)

على الرغم من أنّ «النظام الأساسي للمحكمة الجنائيّة الدوليّة» و«القواعد الإجرائيّة

وقواعد الإثبات» يختلفان في نهجهما تجاه الوثائق الدولية الأخرى حتى اعتماد النصوص المذكورة أعلاه، إلا أنّهما يركّزان بشكل خاصّ على ضحايا الجريمة المحليّة الخاضعين لولايتها القضائيّة. لكنّ مسألة التعويض والترميم للمجنيّ عليه باعتباره واحد من الحقوق التي يفترض أنّها توازي المحاكمة العادلة للمتهم، تحتاج إلى الشفافيّة وتوضيح القواعد التي تحكمها. في هذه المقالة وضمن الاستفادة من المنهج التحليليّ - الوصفيّ، تمّ في البداية تناول موضوع الحقّ في التعويض وترميم الضحيّة ودراسة مكائنها في «النظام الأساسيّ للمحكمة الجنائيّة الدولية» والوثائق الدوليّة ذات الصلة مثل إعلان عام ١٩٨٥ ومبادئ منظّمة الأمم المتّحدة لعام ٢٠٠٥. بعد ذلك سيتمّ تحليل أنواع التعويض وترميم الضحيّة في هذه الوثيقة الدوليّة والتحدّيات المرتبطة بها من خلال الثغرات وأوجه القصور الموجودة. بعد ذلك ستتمّ دراسة أمثلة من أنشطة المحكمة حول الموضوع المذكور للاطلاع على أداء المحكمة بعد مرور أكثر من عقد على انطلاق عملها، والتزامها بنهج محوريّة المجنيّ عليه الوارد في النظام الأساسيّ للمحكمة. وفي النهاية وبعد معرفة ودراسة هذه الحالات والتحدّيات، تمّ اقتراح ضرورة إعادة النظر في مفاد النظام الأساسيّ وكذلك تدوين قواعد وأحكام خاصّة بواسطة الجمعية العامّة للدول الأعضاء في سياق تحقيق التعويض للمجنيّ عليه.

الكلمات الأساسيّة: المجنيّ عليه، المحكمة الجنائيّة الدوليّة، النظام الأساسيّ، التعويض والترميم.

حقوق دفاع المتهم في بدائل الملاحقة الجنائيّة

□ محمّد مهديّ ساقان

□ أستاذ مشارك بجامعة طهران

أدخل قانون أصول المحاكمات الجنائيّة لعام ٢٠١٣ في ضوء تطوّرات القانون المقارن في السنوات الأخيرة العديد من المؤسسات والآليات في نظام العدالة الجنائيّة الإيرانيّ الذي من خلال ظهور العدالة التوافقية، تمّ تعليق ملاحقة المتهم مقابل إجراء بعض الأمور المقترحة من قبل الادّعاء أو المصالحة مع المدّعي. إنّ التنفيذ الصحيح لهذه الاستراتيجيّات، والتي يشار إليها باسم بدائل الملاحقة الجنائيّة، سيؤدّي إلى قصر

تدخل النظام الجنائي والتسريع في تسوية النزاعات عن الجريمة، مما يتيح للمتهم الفرصة ومن دون المشاركة في عملية التحقيق، البقاء آمناً من إصاق علامة الإجرام به وتعويض أضرار المجنى عليه في فترة قصيرة. ومع ذلك فإن بدائل الملاحقة الجنائية تواجه تحديات مثل الوضع المبهم لحقوق المدعى عليه. في الحقيقة، تثير طبيعة مثل هذه الإجراءات العديد من الأسئلة، بما في ذلك ما إذا كان الحق في الدفاع في هذه الإجراءات يختلف عن الإجراءات الجنائية العادية. وهل يتم مراعاة هذه الحقوق في هذه الطرق مثل الحقوق التقليدية؟ تسعى هذه المقالة إلى توفير الحلول المناسبة لتعزيز هذه الحقوق من خلال دراسة وانتقاد حقوق المتهم في بدائل الملاحقة القضائية.

الكلمات الأساسية: قانون الدفاع، الملاحقة الجنائية، العدالة التصالحية، العدالة التصحيحية، بدائل الملاحقة الجنائية.

الشهادة من خلال الفيديو كونفرانس

والإجراءات الجنائية الدولية في قبولها

□ هبة الله نژندی منش (أستاذ مساعد بجامعة العلامة الطباطبائي)

□ وحيد بذار (دكتوراه في القانون الدولي بجامعة العلامة الطباطبائي)

لقد أثرت تقنيات الاتصالات الجديدة التي أصبحت بارزة بشكل متزايد مع ظهور الإنترنت على معظم مجالات القانون الدولي. بما في ذلك الإجراءات القضائية الدولية. أداء الشهادة عن طريق مؤتمر الفيديو هي إحدى الحالات التي تثير مسألة استخدام التكنولوجيا في المحاكم الجنائية الدولية. هذه المحاكم التي قبلت في البداية العديد من الشروط المسبقة لقبول الشهادة من خلال الاتصال المرئي فقط في حالات استثنائية للغاية، تدريجياً ومع النمو المتزايد للتكنولوجيا، توسعت في تفسير كفاءتها في تبنى مثل هذا المفهوم على نطاق واسع. كما هو الحال في عملية تغيير نهج المحاكم الجنائية الدولية بما في ذلك المحكمة الجنائية الدولية اليوغوسلافية السابقة، والمحكمة الجنائية الدولية لرواندا، والمحكمة الخاصة لسيراليون والمحكمة الجنائية الدولية بالنسبة لقبول أداء الشهادات عن طريق الفيديو كونفرانس، تمكنت الاتصالات الحديثة من فرض نفسها على الساحة القضائية الدولية كحقيقة موضوعية في المجتمع الدولي.

الكلمات الأساسية: الشهادة، فيديو كنفرائس، المحكمة الجنائية الدولية اليوغوسلافية السابقة، المحكمة الجنائية الدولية لرواندا، المحكمة الخاصة لسيراليون.

٣١١

الجرائم ضدّ الشعب المرجانية من منظور قانوني وإيدائي

□ صبوري پور (أستاذ مساعد بجامعة الشهيد بهشتي)

□ أصغر أحمدي (ماجستير في القانون الجنائي وعلم الجريمة)

يتمّ اليوم تدمير مجموعة واسعة من الشعب المرجانية في العالم أو معرضة لخطر الإنقراض، وبالتالي فإنّ الأضرار التي لحقت بالشعب المرجانية تسببت بأضرار في النظام الإيكولوجي البحري. وبالتالي فإنّ السؤال الذي يطرح نفسه هو ما إذا كان المشرع الإيراني اعترف بالجرائم ضدّ الشعب المرجانية. تعتمد إجابة هذا السؤال على النهج المتبع. في النهج القانوني وعلى الرغم من أنّ الجرائم ضدّ الشعب المرجانية لم يتمّ الاعتراف بها بشكل رسمي، لكن بشكل عامّ يمكن التحدّث عن الجرائم ضدّ هذه الأنواع. ولكن في نهج الإيذاء الأخضر، لم تظهر الجرائم ضدّ الشعب المرجانية في القانون. لهذا السبب، تستند هذه المقالة على محورين: الأول، الجرائم ضدّ الشعب المرجانية في ضوء القانون الجنائي الإيراني الذي يشمل ثلاثة سلوكيات هي الصيد، التدمير المتعمد وتلوّث مياه البحر؛ والثاني الجرائم ضدّ الشعب المرجانية في ضوء الإيذاء الأخضر الذي يسعى إلى تحديد الممارسات القانونية التي تسبب ضرراً للشعب المرجانية غير المدرجة في القوانين الجنائية، وتشمل ثلاثة سلوكيات هي تحلية مياه البحر، العمليات النفطية والتدمير غير المتعمد. والنتيجة هي أنّه على الرغم من أنّ القانون الجنائي الإيراني قد تنبأ بسلوكيات الإيذاء العامة ضدّ البيئة البحرية، حيث يمكن التعرّف على الجرائم المرتكبة ضدّ الشعب المرجانية في ضوءه ولكن لم يتمّ الاهتمام بشكل خاصّ بالجرائم ضدّ الشعب المرجانية. ولذلك وفي ضوء منهج الإيذاء الأخضر يجب تجريم السلوكيات المدمرة بشكل واسع النطاق والتي ترتكب ضدّ الشعب المرجانية.

الكلمات الأساسية: الشعب المرجانية، البيئة البحرية، الإيذاء الأخضر، السياسة الجنائية الإيرانية.

«العقلانية الجنائية»: القيود والتحديات (مع التأكيد على الجرائم العنيفة)

□ فرهاد الله وردى (أستاذ مساعد بجامعة مازندران)

□ على مهرايى (ماجستير فى القانون الجنائي وعلم الجريمة)

إن نظرية الاختيار العقلاني في مجال العلوم الجنائية، والذي نشير إليها في هذا المقال باسم «العقلانية الجنائية»، هي بمثابة ما بعد الرواية التي تعمم مشكلة المحاسبة على جميع الجناة بطريقة عززت دائماً منع الجريمة والاستجابة المناسبة لزيادة تكاليف ارتكاب الجريمة. اليوم وبسبب عدم كفاءة النهج القائمة على الردع، فإن هناك شكوك كثيرة حول الفرضيات المسبقة لذلك، يعنى نظرية الاختيار العقلاني. مع وجود هذا الشك يبدو أن جوهر نظرية الاختيار العقلاني لا يزال مرتبطاً بمنطق القانون الجنائي في العديد من النظم القانونية، وأن النظرية هي التي توجه سياسات مكافحة الجريمة. نسعى في هذه المقالة وبنهج نقدي شرح القيود والتحديات التي تواجه نظرية الاختيار العقلاني في مجال العلوم الجنائية والتركيز على الجريمة العنيفة لمواصلة النقاش. مجال الجريمة العنيفة على الرغم من أنها هي نفسها الهدف الأساسي للسياسة والبرامج النابعة عن نظرية الاختيار العقلاني، لكن يمكن وبسهولة إعادة تمثيل قيود وتحديات هذه النظرية. نتيجة النقد الدقيق والشامل «التصور الشائع» لنظرية الاختيار العقلاني هو إعادة قراءة «سياسات مكافحة الجريمة الشائعة». في ضوء هذا النقد وفهم القيود والتحديات تعطى الإمكانيّة لطرح قراءات جديدة لهذه النظرية.

الكلمات الأساسية: الاختيار العقلاني، الجرائم العنيفة، المعرفة، الردع.

إعادة قراءة فلسفية - اجتماعية للموضوع الإنساني في علم الإجرام مع التركيز على النظرية المتكاملة لعلم الإجرام ما بعد الحداثة

□ حسين گلدوزيان

□ أستاذ مساعد بجامعة گلستان

أحد المواضيع الأساسية في علم الإجرام والتي تؤثر على اتخاذ آليات مختلفة بالنسبة لمعرفة العلة وطرق الوقاية من الجريمة، معرفة الإنسان بصفته مرتكب للجريمة. الإنسان

كائن حرّ أم مجبر؟ الإنسان موجود منفصل عن المجتمع أم موجود اجتماعي؟ يهدف هذا البحث إلى إعادة النظر في نظريات علم الإجرام بطريقة وصفية تحليلية ودراسة ما أجاب كلّ واحد منهما على هذين السؤالين، وفي النهاية تحليل النظرية المدمجة لعلم الجريمة ما بعد الحداثة فيما يتعلّق بالموضوع الإنسانيّ لمرتكب الجريمة. نظرت النظريات المبكرة لعلم الإجرام إلى الإنسان على أنّه كائن منفصل عن المجتمع ومن بينها، أكّد البعض على الدور النشط للموضوع الإنسانيّ، مثل المدرسة الكلاسيكية، ورأى البعض، مثل علم الجريمة الواقعيّ أنّ البشر ككيان مجبر ذو مصير لا مفرّ منه. مع تأثير تعاليم علم الاجتماع في علم الإجرام، تحوّلت الكائنات البشرية من كائنات فردية إلى كائنات اجتماعية، ولكن من النظريات الفلسفية مثل علم الإجرام الماركسيّ، رأت أنّ موضوع الإنسان كان سلبياً، ونُهج مثل وضع العلامات تؤمن بأنّ الشخص البشريّ نشط. بشكل عامّ، بقي علم الإجرام حتّى التسعينيات بين خيارين ألف: الإنسان حرّ بخيارات لا حصر لها، وب: الإنسان مجبر مع مصير محتوم في الاختيار والشكّ، والخيار ج: الذي يجمع بين الخيارين ألف وب ليس اعتقاداً سائداً في هذا الوقت. لكن منذ ذلك العقد، يعتبر علماء الإجرام في فترة ما بعد الحداثة، بالتأسيّ بنظرية أنطوني كيدنز، وفي الوقت الذي يقبلون به باجتماعية الإنسان، فإنّهم يعتبرونه ضمن الهياكل الاجتماعية ومنشأً للهياكل الاجتماعية، وفي نفس الوقت بالتأكيد على الدور المؤثّر للهياكل الاجتماعية، وبعبارة أدقّ، الخطاب، فإنّهم لا ينكرون الوجود الفاعل للإنسان. يشدّد علماء الإجرام في فترة ما بعد الحداثة على التعليم والخطاب لتعزيز الدور الفعّال للإنسان في تشكيل الخطابات حيث يتحوّل البشر من كائنات سلبية إلى أفراد نشطين وخطابيين.

الكلمات الأساسية: الموضوع البشريّ، الهيكل الاجتماعيّ، علم الجريمة ما بعد الحداثة، النظرية الهيكلية، النظرية المدمجة.